



14 جون 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

آیا احمدظاهر واقعاً در تقابل با "دین زدگی" و "سنت زدگی" قرار داشت؟

در این روزها به مناسبت چهلمین سالگرد شهادت ستاره تابناک هنر موسیقی افغانستان - شهید احمد ظاهر و یاد اوری از خاطره های او مطالب فراوان در رسانه های افغانی داخل و خارج کشور به نشر میرسد و هریک با یاد از او، مقام شامخش را در بین هنرمندان کشور گرامی میدارند. یکی از این نوشته ها که بسیار پرخاطره و در عین زمان روح جوان و پرشور احمد ظاهر را به نمایش میگذارد، از محترم جناب آقای دودیال است، تحت عنوان "از مرگ نابهنگام احمدظاهر چهل سال گذشت" که در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين ديروز اقبال نشر یافته است. نویسنده مقاله جریان چشم دید خود را در آن سال هائیکه در لیسه حبیبیه شاگرد و شاهد حضور احمدظاهر در یک محفل گرامیداشت از اولین جشن جمهوری و خواندن مشهور او "مبارک، مبارک جمهوری ما مبارک" بود، بیان میدارد که بسیار دلچسپ است. نویسنده از دوستان نیز خواسته تا در باره احمدظاهر نظر خود را نوشته و در این وبسایت به نشر بسپارند. به تاسی از این تقاضای محترم دودیال و نیز علاقمندی مفرط شخصی خود به احمدظاهر خواستم مطلبی را که دو روز قبل ضمن تبصره بر مقاله محترم آقای رامین انوری در فیسبوک نوشتم، در اینجا خدمت تقدیم دارم:

محترم آقای رامین انوری در مقاله خود تحت عنوان "عصیان گری احمدظاهر در جامعه سنتی افغانستان" که در وبسایت فارسی بی بی سی (مورخ 12 جون 2019) به نشر رسیده، ضمن بررسی نکات دیگر به این موضوع پرداخته و نوشته است که: «در میان تمام آدمهای سرشناسی که در افغانستان ظهور کرده اند، شاید هیچ کسی به اندازه احمد ظاهر در تقابلی چنان آشکار با "دین زدگی" و "سنت زدگی" جامعه افغانستان قرار نداشته است. آنچه از احمد ظاهر - به واسطه آهنگها و تصاویر و نوارهای دیداری و شنیداری اش برجا مانده - آینه تمامنمایی از شورش و عصیانگری در برابر نهاد قدرت و در راس آن، سنت های حاکم است...» او در ادامه می افزاید: «این سنت شکنی و بی اعتنایی درونی به رسم معمول، در تمام رفتارهای احمد ظاهر حس می شود. انگار آمده بود تا رسم و راه خودش را بر زندگی و مناسبات آن سوار کند. با شوریدن بر پدرش که دوست نداشت پسر نخست وزیر افغانستان آواز بخواند، خودش را از دام مخوفی که بسیاری از استعدادهای بالقوه در جوامع سنتی قربانی سناریوهای شبیه آن بوده اند، رهانید؛ موسیقی اش را در خدمت معشوقه های زمینی قرار داد؛ از عشق ورزی و رهایی و شاد زیستن در برابر جامعه سخت و بسته دفاع کرد و گذاشت جنون درونی اش، فرمان امور را در دست بگیرد.»

اگر از ذکر خصوصیات حریم زندگی شخصی احمدظاهر به حیث یک جوان سرشار از عشق و محبت و غرق در عالم هنر جوینده و پوینده او بگذریم، از نظر اجتماعی و بخصوص در مورد سنن و اندیشه

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

های دینی کمتر نشانی را سراغ کرد که بتوان به او تقابل با "دین زدگی" و "سنت زدگی" را در جامعه افغانستان نسبت داد. زمانیکه احمدظاهر در دهه دموکراسی و جمهوری اول (شهید محمد داؤد) به اوج شهرت و کمال خود رسید، از نظر دینی و سنت (عنعنه) گرائی یک دوره لیبرال دینی و مذهبی و نیز یک دوره آب شدن یخ های عنعنه گرائی بود. مردم در راه و روش زندگی خود بدون کدام قید و شرط خاص همچنان ادامه میدادند و کسی به کار کس غرضدار نبود.

احمدظاهر در چنین فضای نسبتاً آزاد، هنرش را شگوفان ساخت. لذا در چنین فضای باز لزومی دیده نمی شد که احمد ظاهر در آهنگ ها و انتخاب اشعار "شورش و عصیان گری را در برابر نهاد قدرت و در راس آن سنت های حاکم" به نمایش بگذارد. اساساً طلوع هنر احمد ظاهر در یک آسمان نسبتاً صاف و روشن آنوقت صورت گرفت و این اعجوبه هنر آواز خوانی قرن 20 کشور را میتوان محصول شرایط و امکانات باز آن زمان دانست. فرط اشتیاق او را در حمایت از جمهوریت میتوان در این آهنگ زیبایش دریافت:

**«جوانان کف زیند بخوانید ببالید بگویند جمهوری ما مبارک
صبح جمهوری رسید شام سیه سر رسید
شیشه ی ظلمت شکست پرده ی غمها درید...»**

پدر احمدظاهر (مرحوم داکتر عبدالظاهر صدراعظم اسبق) که شخص دانشمند و با تفاهم بود، با درک استعداد و علاقه خاص پسرش مانع کار او نشد، بلکه احمد ظاهر را در کار هنری اش تشویق و ترغیب کرد و حتی زمینه های فراگیری بیشتر او را در موسیقی حین دوره های سفارت خود در روم و نیز در اسلام آباد فراهم ساخت.

درست است که احمدظاهر در زندگی شخصی و خصوصی خود آزاد فکر بود و به گفته آقای رامین: «موسیقی اش را در خدمت معشوقه های زمینی قرار داد؛ از عشق ورزی و رهایی و شاد زیستن در برابر جامعه سخت و بسته دفاع کرد و گذاشت جنون درونی اش، فرمان امور را در دست بگیرد.»، اما این بدان معنی نیست که او همیشه خود و هنر خود را در این محدوده قرار داده باشد؛ بلکه در جوار آن با پناه بردن به اشعار مولانا و دیگر متصوفان بزرگ به اعتقاد عمیق خود بسوی دیانت دریچه روشن زندگی را بروی خود باز نگهداشت، نه آنکه با هنر بی بدیل خود بسوی دین ستیزی و یا سنت شکنی ها رفته باشد. وقتی فقیری از او به نام خدا، طلب کمک کرد، او همه دار و ندار جیب خود را به فقیر داد و وقتی از پرسیده شد که چرا همه پولها را به فقیر دادی، گفت: مگر نشنیدی او بنام خدا طلب کمک کرد.

انتخاب اشعار و ترتیب آهنگ متوازن با روحیه شعر و آواز بی همتای او و نیز سر به نیست شدن او بدست ظالمان قرن در اوج شهرت و در عنفوان جوانی، همه و همه احمدظاهر را به حیث یک ستاره ای درخشان که هرگز افول نخواهد کرد، نسل به نسل در خاطر ها جاودان ساخت.

روح این خجسته هنرمند بی بدیل کشور شاد و جنت فردوس جایگه اش بادا!

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ